

تهدیدات امنیتی روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی

رضا محموداوغلی^۱

امیرحسین رستمی^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

چکیده

این مقاله در پی آن است تا تهدیدات امنیتی روابط راهبردی روسیه و ارمنستان را در قفقاز جنوبی مورد بررسی قرار دهد. ارمنستان، اهداف و ملاحظات راهبردی مانند رفع محاصره سرزمینی و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، حل مشکلات اقتصادی در عرصه داخلی و پاسخ به بحران‌های اجتماعی مانند بحران هویت و دولت-ملت سازی و حل بحران قره‌باغ، تضعیف موقعیت و جایگاه دو کشور ترکیه و آذربایجان در روابط خود با روسیه دنبال کرده است؛ روسیه نیز در حال پیگیری نظم موازنه محور مبتنی بر موازنه سخت، در نظام بین‌الملل کنونی و در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا است. در سیستم موازنه قوا از نگاه روسیه اتحاد با کشورهای پیرامونی به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست منطقه‌ای این کشور در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که روسیه سعی دارد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در کشورهای منطقه قفقاز عرصه را برای حضور کشورهای غربی، ناتو و همسایگان رقیب منطقه چون ترکیه محدود سازد. روسیه از طریق فعال‌سازی شکاف‌های قومیتی و مرزی در بین کشورهای منطقه به مدیریت این شکاف‌ها در راستای منافع ملی روسیه می‌پردازد؛ با این وجود روابط دو کشور در منطقه قفقاز جنوبی با محدودیت‌ها و تهدیداتی مواجه است که این مقاله به واکاوی این تهدیدات امنیتی می‌پردازد. چارچوب نظری تحقیق، «واقع‌گرایی تدافعی»، روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» و ابزار گردآوری داده‌ها «کتابخانه‌ای» و «اسنادی» است.

کلیدواژه‌ها

قفقاز جنوبی، توازن قدرت، ارمنستان، روسیه، ژئوپلیتیک.

r_oghli@yahoo.com

ahr.1360@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی قفقاز جنوبی، این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است؛ پس از فروپاشی شوروی، مشکلات داخلی روسیه و عدم توجه به منطقه قفقاز جنوبی باعث شد تا یک خلأ ژئوپلیتیکی در این منطقه شکل بگیرد. تعارض‌های قومی، نژادی و مذهبی، بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی، مشکلات اقتصادی در منطقه و وجود منابع سرشار انرژی در این منطقه فرصتی را برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به وجود آورد تا از این شرایط در جهت منافع اقتصادی و سیاسی خود استفاده کنند. روسیه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای تأثیرگذار، منطقه قفقاز را به عنوان حیات خلوت خویش می‌داند و سعی دارد تا کشورهای قفقاز جنوبی را در چارچوب نهادهای تحت کنترل روسیه مانند سازمان معاهده همکاری جمعی، جامعه اقتصادی اوراسیا و کشورهای مشترک‌المنافع مدیریت نماید؛ این کشور سعی دارد در چارچوب راهبرد "جهان‌گرایی چند مرکزی" با بهره‌گیری از سازوکارهای منطقه‌ای، منافع امنیتی - سیاسی خود را تأمین نماید. هسته اصلی این رویکرد ایجاد نهادها و ساختارهایی بوده است که در صدد جذب همکاری‌های کشورهای منطقه برای رقابت با ساختارهای امنیتی غرب در حوزه خارج نزدیک به خصوص با ناتو بوده‌اند. از دید روسیه، غرب با حمایت از رژیم‌های ضد روس و روندهای واگرا نظیر انقلاب‌های رنگی در مجاورت مرزهای روسیه قصد دارد، اقتدار منطقه‌ای روسیه را به چالش بکشد.

ارمنستان به عنوان یک کشور تأثیرگذار در ژئوپلیتیک قفقاز نقش اساسی را در این مناسبات بر عهده دارد. روسیه به صورت هدفمند، روابط خود را با ارمنستان در چارچوب دوگانگی تقابلی غرب- شرق تنظیم می‌کند؛ این مسئله این امکان را برای مسکو فراهم کرده است تا نقش دفاع از متحد خود را در برابر نیروهای طرفدار غرب بازی کند. به نظر می‌رسد که روابط حسنه بین ارمنستان و روسیه ریشه در تاریخ رقابت بین امپراتوری روسیه و عثمانی و رقابت ارمنستان و آذربایجان دارد؛ رابطه این دو کشور بر پایه یک نگرش مشترک امنیتی مبتنی بر ناکام گذاشتن نفوذ ترکیه و آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی بنا نهاده شده است. به واسطه احساس ناامنی سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی شوروی در ارمنستان این کشور سعی دارد از طریق وابستگی و اتحاد با روسیه به تأمین امنیت

در مقابل کشورهای منطقه از جمله ترکیه و آذربایجان پردازد؛ البته این ناامنی داخلی و نیز منطقه‌ای در ارمنستان فرصت‌های بسیار مطلوبی را برای روسیه ایجاد کرده تا برای تأمین منافع راهبردی خود در برابر دیگر کشورهای رقیب و تقویت نفوذ و مداخله خود در منطقه، به جذب و وابسته نمودن این دولت اقدام نماید.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و ابزار گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است.

سؤال تحقیق

این پژوهش در پی پاسخ‌دهی به این پرسش است که روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی با چه تهدیدات امنیتی مواجه است.

فرضیه تحقیق

روابط روسیه و ارمنستان تحت تأثیر بحران قره‌باغ، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی از طرف ترکیه و آذربایجان و گسترش ایدئولوژیکی و نظامی غرب در قفقاز جنوبی قرار گرفته است.

هدف تحقیق

هدف تحقیق شناسایی تهدیدات امنیتی در روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی است.

مبانی نظری (واقع‌گرایی تدافعی)

سیاست‌های امنیتی برای رویارویی با تهدیدهای در حال پیدایش در محیط راهبردی طراحی می‌شوند. امنیت از دید ماندل «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارد (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۶). باری بوزان امنیت را در برابر «رهای از تهدید» تعریف می‌کند و وقتی این بحث در عرصه بین‌الملل مطرح می‌شود، امنیت به معنی توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و استحکام عملکردی خودی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲)؛ در عصر کنونی دیگر فقط امنیت از جنبه نظامی و تهدیدات خارجی تفسیر نمی‌شود و طیف وسیع‌تری از تهدیدات مطرح است. امنیت ملی به تهدیدهای واقعی و

احساس (برداشت ذهنی از) تهدید مربوط می‌شود. استفان والت با تغییر موازنه از قدرت به تهدید، چهار مؤلفه را به عنوان عوامل تهدیدگر توصیف کرده است: ۱- قابلیت‌های کلی (جمعیت، قدرت اقتصادی، نظامی و...)، این شاخص وجه اشتراک موازنه قوا و موازنه تهدید است؛ ۲- مجاورت جغرافیایی (نزدیکی تهدید)، میان درک از تهدید و نزدیکی جغرافیایی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ ۳- قابلیت‌های تهاجمی، هرچه میزان توانمندی تهاجمی کشوری بیشتر باشد، دغدغه‌های امنیتی آن کشور به همان میزان افزایش پیدا می‌کند؛ ۴- نیت تهاجمی، دولت‌های دارای نیت تهاجمی در مقایسه با دولت‌های حافظ وضع موجود، متضمن تهدیدهای بیشتری هستند (walt, 1986: 117).

واقع‌گرایان تدافعی بر اهمیت «موازنه تهدید» به جای موازنه قدرت تأکید دارند (مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۱۳۴). موازنه سازی اولین و مهم‌ترین راهبرد کشورهای تدافعی عاقل در شرایط تهدیدکننده و ناامن آنارشیک است. از دید والت اتحاد، آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل است (Walt, 1987: 12). تجلی و نمود طبیعی راهبرد موازنه سازی، تأسیس اتحادها و تشکیل ائتلاف‌های نظامی و غیرنظامی در سطوح منطقه‌ای و جهانی است. کشورها وقتی احساس کنند که امنیت و بقا در اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورها بهتر و بیشتر از اقدام یک‌جانبه تأمین و تضمین می‌شود، به این امر دست می‌زنند؛ تحت این شرایط، موازنه سازی در برابر یک تهدید مشترک خارجی، به عنوان منافع مشترک همه کشورها، همکاری آن‌ها در قالب تأسیس اتحاد و ائتلاف را برمی‌انگیزد (walt, 1989: 126).

از نظر والت، برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر مهم است؛ هرچه دولتی تجاوزکارتر باشد، احتمال اینکه دولت‌های دیگر علیه آن موازنه سازی را در پیش گیرند، بیشتر است. موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده باشد (walt, 1985: 5-13). نظریه موازنه تهدید بر توزیع تهدید در یک نظام بین‌المللی (جهانی یا منطقه‌ای) تأکید دارد؛ بر اساس این نظریه، دولت‌هایی که با یک تهدیدهای مشترک روبه‌رو هستند، با یکدیگر در مقابل آن متحد می‌شوند؛ پس در مطالعه اتحادها باید به دنبال یک دشمن مشترک گشت. کشورها در واکنش به تغییرات در سطح و میزان تهدید ناشی از تغییر در توزیع

و ساختار قدرت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دست به اتحاد و ائتلاف می‌زنند (Walt, 1987: 149). والت در مورد منطقه قفقاز جنوبی بر این باور است که دولت‌های قفقاز جنوبی تنها دو گزینه پیش رو دارند: نخست، موازنه علیه تهدید، به این معنا که کشورهای قفقاز بتوانند علیه تهدید دست به موازنه بزنند، دوم، استراتژی الحاق (Walt, 1987: 17-21).

والت همچنین معتقد است دولت‌های کوچک برخلاف دولت‌های بزرگ و متوسط به همراهی روی می‌آورند تا موازنه؛ زیرا خود را قادر به ایجاد توازن نمی‌بینند و ناگزیر باید با طرف‌های غالب دیگر همراه شوند. از دید کنت والتز: «بازیگران درجه دوم اگر در انتخاب خود آزاد باشند به سمت طرف قوی‌تر متمایل می‌شوند» (Waltz, 2000: 6).

با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که رقابت امنیتی ناشی از تضاد منافع میان قدرت‌های منطقه و فرا منطقه‌ای باعث شکل‌گیری رقابت‌های شدید و شکل‌گیری ائتلاف‌های امنیتی در منطقه قفقاز شده است؛ چرا که این حوزه به لحاظ سیاسی و امنیتی دارای بی‌ثباتی درون منطقه‌ای است که مواردی چون بحران هویت، اختلافات مرزی میان کشورهای منطقه، چالش‌های قومی و بحران قومیت، جنگ‌های داخلی و بحران‌های سیاسی مختلف نمونه‌های از آن دست هستند؛ این احساس ناامنی و نیازهای راهبردی متقابل، موجب ظهور بنیان‌های خاصی از ائتلاف‌ها و موازنه قدرت در قفقاز شده است؛ که نتیجه آن ایجاد دو ائتلاف ضمنی و نسبتاً پایدار در دو دهه اخیر در منطقه است که در آن روسیه، ارمنستان و ایران در یک جبهه و ترکیه گرجستان و آذربایجان با همراهی آمریکا و اروپا در ائتلاف دیگر، دو قطب یا بلوک قدرت را در قفقاز به وجود آورده‌اند. روسیه برای مقابله با نفوذ کشورهای غربی به حیاط خلوت خود ائتلاف با بازیگران منطقه‌ای را در سیاست منطقه‌ای خود دنبال کرده است که یکی از این کشورهای مهم و راهبردی برای روسیه کشور ارمنستان است که به بررسی روابط دو کشور پرداخته می‌شود.

درآمدی بر روابط سیاسی روسیه و ارمنستان

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فرایند تصمیم‌سازی سیاست خارجی روسیه در دهه ۹۰ دوره‌ای از آشفتگی شدید را پشت سر گذاشت. نگاه به غرب و روی آوردن و

ادغام شدن در نهادها و ساختارهای حیات‌بخش نظم لیبرال در دستورکار نخبگان حاکم قرار گرفت. سیاست‌های یلتسین و کوزیرف، موجب از بین رفتن جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل شد و موجب رشد گروه‌هایی مانند اوراسیاگرایان در سیاست خارجی روسیه شد (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۵۵)؛ این طیف با در نظر داشتن ویژگی‌های ژئوپلیتیک روسیه و میراث تاریخی آن به نقش متفاوت این کشور تأکید می‌کردند؛ بر مبنای چنین رویکردی، روسیه مناطق خارج نزدیک را حوزه نفوذ انحصاری خود دانسته و مخالف حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این محدوده است (Radin, 2017: 87).

روسیه از بحران‌های منطقه‌ای در ترانسنیستریا (مولدوی)، کریمه (اوکراین)، آبخازیا و اوستیای جنوبی (گرجستان) و ناگورنو-قره‌باغ (ارمنستان-آذربایجان) استفاده کرد تا نفوذ خود را بر کشورهای پیرامونی حفظ کند. هدف مسکو، محدود کردن مداخله بیگانگان در محدوده شوروی سابق بود، در زمانی که باکو در حال امضای قرارداد «معاهده قرن» با ائتلاف‌های غربی در سال ۱۹۹۴ از جمله ائتلاف‌های باکو-تفلیس-سوپسا؛ باکو-تفلیس-جیهان؛ باکو-تفلیس-ارزروم ۳ و ناتو بود؛ در مقابل این ائتلاف‌های ضد روسی کشورهای ارمنستان و روسیه به خاطر اشتراک منافع به هم نزدیک شد (Minassian, 2008: 7).

امنیت برای آرامنه از طریق وابستگی به حمایت روسیه تعریف گردید و همکاری‌های نظامی گسترده با روسیه جهت مقابله با تهدیدات ناشی از سیاست‌های آذربایجان و ترکیه صورت گرفت. با توجه به وضعیت نه جنگ و نه صلح در روابط ارمنستان و جمهوری آذربایجان و عدم وجود روابط دیپلماتیک بین آنکارا و ایروان، نگاه امنیتی آرامنه نسبت به دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در اولویت قرار گرفته است؛ به طوری که هرگونه تهدید از سوی جمهوری آذربایجان و ترکیه این کشور را به سوی ایران و روسیه نزدیک می‌سازد (حیدری، ۱۳۸۶: ۹۹)؛ ایروان این نقش پیرو بودن خود را در راستای منافع ملی خود

-
1. Baku-Tbilisi-Supsa Pipeline
 2. Baku-Tbilisi-Ceyhan pipeline
 3. Baku-Tbilisi-Erzrum pipeline

دیده و این مناسبات را پذیرفته است. ارمنستان ایجاد پایگاه‌های روسیه در قلمرو خود را به عنوان یک عامل توازن بخش در رقابت با کشورهای منطقه می‌داند (Minassian, 2008: 7).

ارمنستان از طریق اتحاد نظامی با روسیه، سعی دارد از نفوذ روسیه در منطقه به عنوان تضمین‌کننده ثبات و امنیت مرزهای خود استفاده کند. ارمنستان پس از استقلال یکی از اعضای فعال پیمان امنیت جمعی بوده است. در سال ۱۹۹۹، روسیه سیستم‌های ضد موشکی S-300 و ناوگان جنگنده‌های MiG-29 را تحویل ارمنستان داد؛ در مقابل مسکو سه پایگاه نظامی در ارمنستان ایجاد کرده است: پایگاه ۱۰۲ در گومری ۱، پایگاه ۴۲۶ در اربونی ۲ که در جنگ دوم چچن شرکت داده شد و نهایتاً، یک پایگاه در مقری^۳ (Minassian, 2008: 14). پایگاه نظامی روسیه در شهر گومری ارمنستان، یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های روسیه در خارج از این کشور است. در کنار سیستم‌های موشکی و هوایی در حدود ۵۰۰۰ نیروی نظامی روسیه در ارمنستان مستقر هستند. مرزهای ارمنستان با ایران و ترکیه توسط نیروهای روسی محافظت می‌شوند. در ۲۰ اوت ۲۰۱۰ با امضای توافقنامه نظامی جدید بین روسیه و ارمنستان حضور نظامی کرملین در پایگاه نظامی گومری تا سال ۲۰۴۴ تمدید گردید (Peña-Ramos, 2017: 8).

روابط اقتصادی روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی

از لحاظ اقتصادی ارمنستان وابستگی بیشتری به روسیه دارد. حضور اقتصادی روسیه در ارمنستان یکی از ابزارهای کسب نفوذ سیاسی در این کشور است؛ کنترل بخش انرژی ارمنستان یکی از جلوه‌های نفوذ اقتصادی روسیه در این کشور است؛ به طوری که روسیه ۸۰ درصد زیرساخت‌های انرژی ارمنستان را در اختیار دارد (Kostanyan & Giragosian, 2017:13). شرکت گاز پرم ۴ روسیه مالکیت شبکه توزیع گاز ارمنستان را در کنترل خود دارد؛ علاوه بر زیرساخت‌های انرژی، خطوط هوایی، صنایع شیمیایی و بخش ارتباطات نیز در اختیار

-
1. Gyumri
 2. Arboni
 3. Meghri
 4. Gazprom

شرکت‌های دولتی روسیه هستند. خط هوایی روسی سیبری ۱ مالک هفتاد درصد از سهام خطوط هوایی ارمنستان موسوم به آرماویا ۲ است؛ روسیه همچنین شبکه راه‌آهن ملی ارمنستان را با سرمایه‌گذاری ۵۷۰ میلیون دلاری تحت کنترل خود درآورده است؛ همچنین روسیه ۷۰ درصد ذخایر بانکی این کشور را تحت کنترل خود دارد (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۱۷).

مبادلات تجاری بین روسیه و ارمنستان در طی این سال‌ها به صورت مستمر در حال افزایش بوده است؛ حجم مبادلات تجاری بین آن‌ها از ۳۷۷ میلیون دلار آمریکا در سال ۲۰۰۶ به ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۶ رسید که از این میزان ۹۹۰ میلیون دلار واردات از طرف روسیه به ارمنستان بوده است و ۳۷۲ میلیون دلار هم صادرات از ارمنستان به روسیه انجام گرفته است. آمارها بیانگر آن است که در نیمه اول سال ۲۰۱۷ تجارت بین دو طرف، ۲۴ درصد رشد داشته است؛ با این حال صادرات روسیه به ارمنستان بیش از واردات روسیه از این کشور بوده است؛ به همین دلیل موازنه تجاری بین دو کشور به نفع روسیه بوده است (Kostanyan & Giragosian, 2017: 17). ارمنستان با بدهی چند میلیارد دلاری، به‌ویژه به روسیه، مواجه بوده است؛ چنین به نظر می‌رسد که ارمنستان به‌جای آنکه در پی مراودات اقتصادی بیشتری با غرب باشد، از طریق همکاری‌های اقتصادی و نظامی بیشتر به روسیه گره خورده است. از نگاه اکثریت مردم ارمنستان، روسیه تنها یک حامی نیست، بلکه سرزمین فرصت‌هاست؛ چون روسیه به هزاران ارمنی فرصت یک زندگی بهتر را می‌دهد، یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ارمنستان است و به نفع ارمنستان است که تعامل اقتصادی در سطح بالایی با روسیه داشته باشد (Babayan, 2011, p.32).

تصاحب نیروگاه متسامور^۳، هرازدان^۴ و چندین نهاد انرژی‌زای مهم دیگر به عنوان یکی از ابزار سیاست خارجی روسیه در روابط این دو کشور عمل کرده است. نخستین نمونه استفاده روسیه از انرژی در قالب یک ابزار سیاست خارجی را می‌توان در معاملات آن با ارمنستان در

-
1. Sibir
 2. Armavia
 - 3 Metzamor
 - 4 Hrazdon

مدت ساخت خط لوله گاز طبیعی تبریز-ایراسخ (در استان آراارات) مشاهده کرد. این خط لوله می‌توانست دو برابر میزان گاز طبیعی لازم برای ارمنستان را تأمین کند (Vladimir, 2010: 34)؛ در مقابل روسیه به هیچ وجه تمایل نداشت از وابستگی ارمنستان به خودش کاسته شود. خط لوله ایران-ارمنستان نه تنها به معنای کاهش سود شرکت‌های گازی دولتی روسیه بود، بلکه به معنای کاهش نفوذ اقتصادی و سیاسی روسیه در ارمنستان نیز قلمداد می‌شد؛ مسکو سریعاً وارد عمل شد و در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که یارانه گازی که از زمان استقلال ارمنستان برقرار بود قطع می‌کند؛ این تاکتیک در سال‌های پس از انقلاب‌های رنگی در اوکراین و گرجستان نیز به کار رفته بود؛ تا نشان دهد روسیه توانایی تنبیه کردن هر دو کشور را به خاطر نزدیک شدن به ناتو و غرب را دارد (Vladimir, 2010: 23).

۱. مؤلفه‌های امنیتی در روابط روسیه و ارمنستان

۲. ساختار اقتصادی ضعیف ارمنستان

عامل اساسی که بر روابط دو کشور تأثیر می‌گذارد ساختار اقتصادی ضعیف ارمنستان است، فقر منابع طبیعی ارمنستان این کشور را در مقابل ایران و روسیه قرار می‌دهد. اقتصاد ارمنستان به لحاظ تأمین انرژی و مواد خام و بازرگانی خارجی و صادرات به شدت وابسته به اقتصاد و کمک‌های مالی روسیه و ایران است. فقدان روابط دیپلماتیک و اقتصادی با آذربایجان و ترکیه موجب عدم بهره‌گیری ارمنستان از پتانسیل ژئوپلیتیکی خود برای تقویت اقتصاد ملی و تداوم وابستگی به روسیه شده است. حذف ارمنستان از پروژه‌های مهم انرژی مانند خط لوله انتقال نفت خزر به نام باکو-تفلیس-جیهان و نیز خط لوله انتقال گاز باکو-تفلیس-ارزروم و مشارکت ندادن آن در پروژه‌های آتی مانند خط آهن باکو-تفلیس-قارص و نیز آزادراه آنکارا-تفلیس-باکو، خسارت‌های استراتژیک و بلندمدت اقتصادی برای ایروان در پی خواهد داشت (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

۳. انزوای ژئوپلیتیکی

نگرش امنیتی دولت ارمنستان در دو دهه اخیر، بیشتر ناشی از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این کشور در منطقه بوده است. شکل جغرافیایی ارمنستان، به عنوان کم وسعت ترین کشور قفقاز که به صورت باریکه کم عرض از شمال به جنوب کشیده شده در پدید

آمدن این تلقی بسیار مهم بوده است؛ این باریکه ۳۶ کیلومتری در محاصره دو کشور آذربایجان و ترکیه قرار گرفته و به شدت ارمنستان را آسیب‌پذیر ساخته است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). کوچک بودن سرزمین ارمنستان و محصور بودن آن در خشکی پیامدهای مهمی نظیر ضعف امنیتی و ضرورت یافتن شرکت در پیمان‌های نظامی منطقه‌ای، کمبود منابع انرژی و برقراری روابط گسترده با ایران، گرجستان و روسیه را داشته است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۹۰). در کنار شکل جغرافیایی ارمنستان عوامل متغیر ژئوپلیتیکی مانند فقر اقتصادی، فقر منابع طبیعی، مسدود بودن مرزهای شرقی-غربی، مسئله نسل‌کشی ارمنی و دیاسپورای ارمنی، تجربیات خاص تاریخی و بحران‌های سیاسی نیز بر انزوای ژئوپلیتیکی ارمنستان افزوده‌اند.

ارمنستان همواره خود را در محاصره دو کشور (آذربایجان و ترکیه) احساس می‌کند و از این حصر جغرافیایی به عنوان یک ضعف ژئوپلیتیکی یاد می‌کند؛ علاوه بر حصر جغرافیایی ارمنستان، جنگ قره‌باغ و درگیری و دشمنی ارمنستان با ترکیه و جمهوری آذربایجان، منجر به محاصره اقتصادی این کشور توسط دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان شده است و این دو کشور، شرایط اقتصادی دشواری را برای ارمنستان ایجاد کرده‌اند (حیدری، ۱۳۸۶: ۱۱). واقع شدن بین دو جبهه رقیب و خصومت تاریخی میان آن‌ها، ارمنستان را آسیب‌پذیر ساخته و قدرت مانور سرزمینی را از ارمنی سلب کرده و تأثیر زیادی بر دیدگاه امنیتی آن‌ها گذاشته است؛ این کشور به دریای آزاد راه ندارد و تنها مرزهای مطمئن و قابل اتکا، مرزهای جنوبی این کشور با ایران است و مرزهای مشترک با جمهوری آذربایجان و ترکیه به دلیل عدم حل و فصل مناقشه قره‌باغ مسدود و مرز با گرجستان نیز به علت وجود بحران‌های قومی و جدایی‌طلبی قابل اطمینان نیست.

۴. محیط متخاصم منطقه‌ای

وجود دولت‌های ضعیف، جدایی‌طلبی، اختلاف‌های قومی، مذهبی و گروه‌بندی‌های نظامی مهم‌ترین ویژگی محیط قفقاز به شمار می‌رود که منجر به ایجاد یک محیط متخاصم در این منطقه شده است. نتیجه احساس ناامنی دولت‌های ضعیف قفقاز، تأمین امنیت از طریق وابستگی و اتحاد با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب یعنی روسیه، ترکیه و ایران بوده است

(بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۱)؛ به دلیل قرار گرفتن در محیط امنیتی و سابقه اندک استقلال، مفهومی که از امنیت در قفقاز جنوبی حاکم است، مفهومی بیشتر نظامی است. قرار گرفتن بین دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و ترکیه و مسائل تاریخی ملت ارمنی و روابط آن با ترک‌ها نیز تأثیر بسزایی بر دیدگاه امنیتی آرامنه بر جای گذاشته است. آرامنه برای حفظ امنیت خود و مقابله با ترکیه و جمهوری آذربایجان که با ترکیه خصومت تاریخی دارند و با آذربایجان نیز بر سر منطقه قره‌باغ درگیری نظامی داشته و در حال حاضر در وضعیت نه جنگ و صلح قرار دارند، تلاش کرده‌اند از یک طرف با استفاده از روابط گسترده با روسیه و ایران و از طرف دیگر با همبستگی با آرامنه سایر نقاط جهان و بهره‌برداری از امکانات مالی و سیاسی آن‌ها از امنیت و حیات خود در چارچوب تعریفی که از امنیت قفقاز دارند، دفاع نمایند (حیدری، ۱۳۸۶: ۹۹).

از سال ۱۹۹۳ که آذربایجان و ترکیه مرزهای خود را بر روی ارمنستان بستند که نتیجه آن ایجاد یک سد اقتصادی در برابر ارمنستان بود. ارمنستان به‌واسطه حمایت روسیه و همچنین ایران، توانست بر هرج و مرج و انزوای منطقه‌ای غلبه کند و امنیت خود را تضمین کند، امنیتی که توسط محیط متخاصم ترکی-آذری تهدید می‌شد؛ با توجه به این تهدیدات بود که در سال ۱۹۹۷، قرارداد دوستی روسیه-ارمنستان، شراکت استراتژیک آن‌ها را شکل داد (Shafee, 2010: 12). روسیه می‌کوشد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در کل منطقه قفقاز عرصه را برای حضور رقبایش در حیاط خلوت خود تنگ کند.

یکی دیگر از عوامل تخاصم در منطقه قفقاز، تحرکات رژیم صهیونیستی در آذربایجان است؛ این کشور به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه در نزدیکی به ایران و ظرفیت‌های بالقوه‌ای همچون قوم‌گرایی و ساختار سیاسی غیردینی، مدنظر سیاستمداران اسرائیل قرار گرفته است (مؤمنی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۱۵). حضور رژیم صهیونیستی در قفقاز و در محیط پیرامونی ج.ا.ا بر تنش‌های منطقه قفقاز افزوده است. رژیم صهیونیستی اهدافی نظیر حمایت از جوامع یهودی‌نشین کشورهای قفقاز جنوبی، فرار از معضل امنیتی در «خاورمیانه سنتی» و رویارویی با جمهوری اسلامی ایران را در نظر دارد (دستجردی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۸). رژیم صهیونیستی تحت پوشش فعالیت‌های عمرانی اقدام به فعالیت‌های اطلاعاتی در مناطق جنوبی آذربایجان

نزدیک به مرز ایران می‌کند. آذربایجان حجم قابل توجهی تجهیزات نظامی از اسرائیل با هدف مقابله با همسایگان خود به‌ویژه ارمنستان وارد کرده است. زمانی که ارمنستان از روسیه سامانه‌های موشک‌های عملیاتی-تاکتیکی «اسکندر» خریداری کرد، در پاسخ به این اقدام، جمهوری آذربایجان هم اقدام به استقرار سامانه دفاع ضد موشکی «گنبد آهنین» اسرائیل در خاک خود نمود (thehill, 2017).

۵. تهدیدات امنیتی آذربایجان

مسکو به دنبال این است با گسترش همکاری‌های نظامی با ارمنستان این کشور را در مقابل آذربایجان که روز به روز به سلاح‌های پیشرفته آمریکا و به‌خصوص اسرائیل مجهز می‌شود کمک نماید؛ این اقدام مسکو دو هدف را در بر دارد؛ یکی اینکه از این طریق اقدام به فروش بیشتر تسلیحات خود به ارمنستان می‌نماید و درآمدی را از این طریق کسب می‌کند و دوم با مجهز کردن ارمنستان به سلاح‌های روسیه نوعی توازن را در مقابل باکو ایجاد می‌کند تا در صورت جنگ احتمالی ارمنستان بازنده نباشد (Salehi, 2012: 2). روسیه سعی دارد تا با استقرار پایگاه‌های جدید در ارمنستان بتواند نفوذ از دست رفته خود در منطقه را جبران کند. روسیه سعی دارد با ایجاد موازنه در بین آذربایجان و ارمنستان مانع از جنگ دیگری در نزدیکی مرزهای کشورش باشد.

۶. بحران قره‌باغ

یکی از تعارضات منطقه‌ای که بر روابط روسیه و ارمنستان تأثیرگذار بوده است مناقشه قره‌باغ است (Hill and Taspinar, 2007: 45). منازعه قره‌باغ ریشه در مسائل قومی و عوامل ژئوپلیتیک دارد؛ به همین جهت این منطقه علاوه بر ارزش تاریخی، قومی و ملی برای ارمنستان، برای این کشور ارزش استراتژیک دارد و مکمل ژئوپلیتیک آن محسوب می‌شوند (حیدری، ۱۳۸۶: ۹۸)؛ این مناقشه دارای ماهیت بین‌المللی است و به کارت بازی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و در رأس آن‌ها روسیه و آمریکا مبدل شده است. روسیه در رأس بازی بحران قره‌باغ قرار دارد. روسیه در چهارچوب سیاست قدیمی و سنتی خود تلاش دارد که قفقاز جنوبی را زیر نظر خود داشته باشد و برای این منظور دامنه نفوذ خود را در ارمنستان

گسترش داده و می‌کوشد تا گرجستان و آذربایجان را نیز به طرق ممکن تحت سیطره و فرمان‌برداری مسکو قرار دهد (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶).

محاصره جغرافیایی و بن‌بست در مسئله قره‌باغ و تهدیدات مکرر آذربایجان به بازپس‌گیری اراضی اشغالی، باعث شده ارمنستان استقلال، حاکمیت و امنیت سیاسی و سرزمینی خود را در وابستگی به روسیه تأمین نماید (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). مهم‌ترین هدف روسیه در بحران قره‌باغ، حفظ موازنه راهبردی در قفقاز و ممانعت از توسعه نفوذ غرب به ویژه آمریکا در منطقه است؛ به گونه‌ای که با داشتن دست برتر در بحران قره‌باغ، تلاش می‌کند تا سایر بازیگران را در این صحنه به حاشیه براند. روسیه سعی دارد تا از نوعی «ثبات نامطمئن» در این منطقه حمایت کند تا هم از منافع پروژه‌های بین‌المللی در خصوص نفت و حمل و نقل برخوردار شود و هم با استفاده از اهرم مناقشات حل نشده در صورت ضرورت، فضایی برای اعمال نفوذ در منطقه برای خود باقی بگذارد (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

۷. نفوذ قدرت منطقه‌ای ترکیه

دشمنی تاریخی و تضاد منافع استراتژیک ترکیه و ارمنستان در دو دهه اخیر، یکی از پایه‌های اصلی تنش و رقابت در قفقاز بوده است. از طرف دیگر نزدیکی ترکیه به جمهوری آذربایجان و انعقاد قرارداد نظامی و امنیتی با این کشور و به تبع آن همراهی این کشورها با غرب و آمریکا، فدراسیون روسیه را با چالشی جدی در قفقاز مواجه ساخته است. بالا رفتن نفوذ و موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در قفقاز به منزله کاهش و تضعیف موقعیت روسیه در آنجا خواهد بود و موجب نزدیک شدن جمهوری آذربایجان به ترکیه و غرب می‌شود و در نتیجه کاهش فشار سنتی روسیه در این دو کشور را به دنبال خواهد داشت (عسگریان و تجری، ۱۳۹۶: ۱۶۷). ارمنستان که همیشه از تنش‌های روسیه-ترکیه منفعت کسب کرده است، هیچ روابط دیپلماتیکی با آنکارا نداشته است و دلیل آن اختلافات مرزی در سال ۱۹۹۳ و همچنین مسئله کشتار ارمنه در سال ۱۹۱۴ است (Hilland, 2007: 23-24).

نگاهی به رفتارها و سیاست خارجی ارمنستان در دو دهه گذشته، نشان می‌دهد این کشور به‌رغم تلاش‌های بین‌المللی برای شناسایی کشتار ارامنه به عنوان نسل‌کشی، همواره درصدد بوده در مواجهه با قدرت منطقه‌ای ترکیه سیاست عمل‌گرایانه‌ای را در پیش بگیرد تا از انزوای سیاسی و ژئوپلیتیکی خود بکاهد. ورود به فرایند دیپلماسی پنهان با ترکیه در چند سال گذشته با میانجیگری دولت سوئیس، ورود به دیپلماسی فوتبال و سفر روسای جمهور دو کشور در طی سال‌های اخیر، (سفر عبدالله گل به ایروان در سپتامبر ۲۰۰۸ و سرکسیان به ترکیه در اکتبر ۲۰۰۹) برای تماشای بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰، آغاز مذاکرات برای تهیه نقشه راه و در نهایت، امضای پروتکل نقشه راه در سوئیس در اکتبر ۲۰۰۹، سفر وزرای خارجه دو کشور و دیدار و مذاکره در حاشیه اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بیان‌کننده اراده جدی دولت‌های مختلف در ارمنستان برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، ایجاد تعادل در روابط منطقه‌ای و کاهش وابستگی یک‌جانبه به روسیه و ایران است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

روسیه از هر دو جهت از بن‌بست سیاسی بین ترکیه و ارمنستان منفعت کسب می‌کند؛ اولاً، برطرف کردن نزاع ناگورنو-قره‌باغ و عادی‌سازی روابط بین ارمنستان و ترکیه نفوذ منطقه‌ای روسیه را کاهش خواهد داد که به نفع ایالات متحده آمریکا است؛ دوماً تنش بین ترکیه و ارمنستان موجب می‌شود آنکارا توجه خود را به سمت مسکو جلب کند و روسیه را به عنوان یک شریک اقتصادی ترجیح دهد. در حال حاضر، روسیه از تفکرات ملی‌گرایانه در ارمنستان به عنوان ابزاری برای ایجاد تنش بین ترکیه و ارمنستان استفاده می‌کند (Minassian, 2008:17).

۸ بحران گرجستان

عامل تأثیرگذار دیگر در روابط روسیه و ارمنستان، تنش سیاسی و نظامی بین روسیه و گرجستان است؛ این بحران یک مسئله حاد را برای آینده روابط بین روسیه و ارمنستان ایجاد می‌کند. نزدیک ۴۰۰۰۰۰ ارمنی در گرجستان زندگی می‌کنند که اکثراً در منطقه فقیرنشین سامتسخه-دواختی هستند که در همسایگی ارمنستان قرار دارد؛ هزاران ارمنی نیز در ابخازیا زندگی می‌کنند و از یک حکومت استقلال‌طلب در سوخومی حمایت می‌کنند؛ روسیه از متحد

ارمنی خود انتظار دارد تا از نفوذ اقلیت ارمنی در این منطقه در برابر حکومت مرکزی گرجستان استفاده کنند (khacharian, 2009: 43-45)؛ اما نفوذ آمریکا بر روابط ارمنستان-گرجستان تا حدی شکست روسیه را در این مورد توضیح می‌دهد؛ آنچه مهم‌تر است این است که تفلیس نمی‌خواهد حس ملی‌گرایی ارمنستانی‌ها را در گرجستان بیدار کند و با یک بحران استقلال‌طلبی جدید در مرزهای خود روبه‌رو شود؛ ارمنستان نیز به بازار گرجستان برای بازگشایی و تقویت اقتصاد خود نیاز دارد (Avoyan, 2007: 3).

۹- سیاست‌های غرب‌گرایانه ارمنستان

عامل تأثیرگذار دیگر در روابط دو کشور، رویکرد غرب‌گرایانه در سیاست خارجی ایروان است. ارمنستان در مواقع ضروری و به عنوان سیاست جایگزین به همکاری با مجامع غربی تأکید دارد. ارمنستان از طریق همکاری با ناتو، اتحادیه اروپا و آمریکا واقعیت جدید پس از جنگ سرد را پذیرفته است؛ اما ارمنستان، به دنبال معکوس کردن اولویت‌های استراتژیک خود با روسیه نیست؛ بنا بر گفته سرژ سارکسیان، این شراکت‌های جدید که «امنیت، حاکمیت و انسجام ارمنستان را حفظ می‌کند»، اتحاد با روسیه را به مخاطره نمی‌اندازد. از دید سیاست‌گذاران ارمنستان وفاداری به مسکو و همکاری با غرب با هم ناسازگار نیستند (Cornell, 2004: 8).

حتی در استراتژی امنیت ملی جمهوری ارمنستان نیز که در سال ۲۰۰۷ مورد تأیید قرار گرفت؛ اتحادیه اروپا نیز به عنوان اولویت بلندمدت جهت‌گیری سیاست خارجی ارمنستان مورد تأکید قرار گرفته است (Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Aemenia, 2007)؛ هرچند ارمنستان در سال ۲۰۱۳ ناگهان اعلام کرد که قصد پیوستن به اتحادیه اوراسیا را دارد؛ به نظر می‌رسد، فشارهای روسیه علیه دولت ارمنستان از جمله تهدید به لغو تضمین‌های امنیتی و افزایش بهای گاز صادراتی به ارمنستان در روگردانی این کشور از همکاری با اتحادیه اروپا مؤثر بوده‌اند (Grigoryan, 2017: 98).

تلاش‌های ارمنستان برای ایجاد موازنه در روابط با قدرت‌های غربی و روسیه، همواره با واکنش‌های منفی و انتقادهای روسیه همراه بوده است (bedevian, 2007: 12-17). بر مبنای سند استراتژی سیاست خارجی ۲۰۱۶ فدراسیون روسیه، این کشور نسبت به گسترش ناتو،

نزدیکی زیرساخت‌های اتحاد آتلانتیک شمالی به مرزهای روسیه و گسترش اقدامات نظامی آن در مناطق مرزی روسیه نگرش منفی دارد و گسترش ناتو به سوی مرزهای روسیه و انقلاب‌های رنگی تهدیدی بر امنیت روسیه معرفی شده است (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2016).

مسکو نگران است که دستیابی گرجستان و اوکراین به ناتو، ارمنستان را به تشویق به پیوستن به این نهاد کند و نهایتاً قفقاز جنوبی را از روسیه دور کند (Le monde, 2008: 6). در اواخر تابستان ۱۳۹۶ نیروهای نظامی ویژه روسیه رزمایشی را در خاک جمهوری ارمنستان برگزار نمودند؛ این رزمایش نظامی که برای اولین بار بدون حضور نیروهای نظامی ارمنستان و دقیقاً پس از پایان رزمایش ناتو در گرجستان صورت می‌گرفت را می‌توان به نوعی واکنش رسمی روسیه به جمهوری ارمنستان در همکاری با ناتو دانست (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۹). در زمانی که روسیه سیاست خارجی خود را در راستای جستجوی یک شریک جدید مثل آذربایجان و ترکیه تعدیل می‌کند، ارمنستان نیز از نفوذ رو به افزایش ایالات متحده در منطقه استفاده می‌کند؛ هرچند این توازن و علائق دوجانبه، به سود روسیه بوده به طوری که در تبدیل و تنزیل ارمنستان از یک شریک به یک پیرو موفق عمل کرده است (Minassian, 2008: 4).

تضعیف سازمان پیمان امنیت جمعی^۱

روسیه می‌کوشد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در منطقه قفقاز، عرصه را برای حضور کشورهای غربی، ناتو و همسایگان رقیب منطقه خود مانند ترکیه محدود سازد. اولین گام نفوذ روسیه در قفقاز تقویت پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۹ بود که از اعضا می‌خواست در هنگام تهدیدات خارجی با دیگر اعضا مشورت کنند و در مواقع حمله به اعضای این پیمان کمک‌های دوجانبه فراهم شود (The Military Balance, 2012: 61-69). همکاری‌های نظامی و امنیتی روسیه و ارمنستان و حضور ارمنستان در ترتیبات منطقه‌ای تحت رهبری کرملین نظیر سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به هدف استراتژیک روسیه مبنی بر حضور نظامی و امنیتی در منطقه استراتژیک قفقاز و دور کردن

1. Collective Security Treaty Organization

زیرساخت‌های نظامی غرب از منطقه کمک کرده است؛ زیرا جمهوری ارمنستان تنها عضو این پیمان در منطقه قفقاز جنوبی است (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۷)؛ با وجود این تعهدات قوی بین طرفین، ارمنستان هنوز هیچ تضمینی از سازمان امنیت جمعی مبنی بر کمک نظامی در مورد حملات آذربایجان در ناگورنو-قره‌باغ به دست نیاورده است؛ از دید ایروان قفقاز جنوبی در اولویت این سازمان قرار ندارد و مادامی که نهاد امنیت جمعی مشکلات منطقه را در دستور کار خود قرار ندهد، تضعیف و انزوای ارمنستان ادامه خواهد داشت (Reuters, press agency, 2008: 24-25).

از طرف دیگر معاهده امنیت جمعی پس از تشکیل با چندین مسئله اساسی درونی روبه‌رو شد. با ظهور احساسات شعله‌ور ملی‌گرایانه در درون شوروی سابق، بسیاری از کشورهای تازه استقلال‌یافته در پذیرفتن توافقنامه‌ای نظامی با روسیه تردید داشتند با این باور که هدف مسکو تحکیم سیطره خود بر منطقه است (Weinstein, 2010: 22)؛ افزون بر این، بسیاری از کشورهای عضو آگاه بودند که این معاهده فقط در جهت حفظ منافع و یکپارچگی اراضی روسیه عمل می‌کرده است. بی‌اعتمادی در میان کشورهای عضو و مشکلات اقتصادی بنیان این توافقنامه امنیتی را لرزان ساخته است. معاهده امنیت جمعی نتوانست از بروز جنگ میان ارمنستان و آذربایجان در قضیه جنگ ناگورنو-قره‌باغ در زمانی که هر دو کشور عضو این معاهده بودند جلوگیری کند. از طرفی، معاهده امنیت جمعی نتوانست به بحران سیاسی در تاجیکستان که هزاران کشته و صدها هزار آواره بر جای گذاشت واکنشی نشان دهد (McGinnity, 2010: 22)؛ از طرف دیگر اتحادیه‌هایی مانند گوام و پیمان ترابزوان می‌تواند نفوذ روسیه و ارمنستان را در این منطقه با چالش مواجه کند با خروج جمهوری آذربایجان و گرجستان از پیمان امنیت دسته‌جمعی و عضویت ازبکستان در اتحادیه گوام، هم‌زمان با کناره‌گیری آن کشور از پیمان امنیت دسته‌جمعی و همکاری گسترده آن با ناتو، اتحادیه گوام به «باشگاه ناراضیان» روسیه و جامعه کشورهای مستقل هم‌سود تبدیل شده است (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۳۰-۲۳۱).

محدودیت‌های ساختاری روابط روسیه-ارمنستان

۱- احساس ناامنی ارمنستان به علت محیط منازعه آمیز منطقه‌ای که در آن قرار دارد، بر سیاست خارجی و منطق امنیتی آن سایه افکنده است؛ به طوری که سبب شده است دولت ارمنستان با اراده خویشتن در تمهیدات امنیتی در مقابل روسیه امتیاز بدهد. از دید منتقدان امتیاز دادن ارمنستان به روسیه بر پایه واقعیاتی در گذشته هستند که دیگر وجود نداشته و به ارمنستان ارتباطی پیدا نمی‌کند. توافقنامه امنیتی بین روسیه و ارمنستان تضمینی برای حمایت روسیه از ارمنستان در صورت تهاجم آذربایجان به قره‌باغ نداده است؛ از طرف دیگر این توافقنامه‌ها توانایی ارمنستان برای انجام هرگونه اقدام آلترناتیو را کاهش داده است. ایجاد پایگاه‌های نظامی روسیه در ارمنستان نتیجه مذاکرات و تعهدات امنیتی بوده است که از موضع احساس عدم امنیت برای ارمنستان اتخاذ شده است (McGinnity, 2010: 26).

۲- از دید منتقدان داخلی تمدید توافقنامه اجاره پایگاه گیومری تمایل دولت ارمنستان به امتیازدهی به روسیه بدون بررسی عواقب آن در ارمنستان را نشان می‌دهد؛ با اینکه اهمیت راهبردی این پایگاه برای روسیه روز به روز بیشتر می‌شود؛ دولت ارمنستان همچنان تمام بار مالی این پایگاه را بر دوش خواهد کشید؛ از دید منتقدان این توافق بسیار غیرعادی است؛ چرا که قدرت‌های جهانی مثل آمریکا یا روسیه برای آنکه نیروهای خود را در خاکی بیگانه مستقر کنند حاضرند قراردادهای هنگفتی پیشنهاد دهند (Giragosian, 2010: 11).

۳- مسکو با تحت فشار قرار دادن دولت ارمنستان دنبال آن است تا حضور راهبردی خود در قفقاز را برای سال‌های آتی تضمین کند. تمدید اجاره پایگاه گیومری تا سال ۲۰۴۴ و بندر سواستوپول تا سال ۲۰۵۳ دو نمونه بارز از این اقدامات هستند (Kazantsev, 2010: 271). از نظر منتقدان داخلی، پیمان نظامی که متضمن هیچ‌گونه مزیت نظامی برای ارمنستان نباشد پذیرفتنی نیست؛ به‌خصوص با در نظر گرفتن افزایش قدرت منطقه‌ای آذربایجان در پی خرید سلاح‌های مدرن غربی از سال ۲۰۱۰ منطقه قره‌باغ شاهد افزایش شدید دفعات نقض آتش‌بس توسط آذربایجان بود. فاحش‌ترین تخطی‌ها، چندین عملیات شناسایی از سوی آذربایجان با هدایت پهبادهای خریداری شده از اسرائیل بوده است.

روابط روسیه و ارمنستان و امنیت جمهوری اسلامی

ایران به دلیل برخورداری از یک موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بی‌همتا، نقش تأثیرگذاری در سیستم منطقه‌ای قفقاز دارد. روابط ایران، روسیه و ارمنستان در سطح کلان (بین‌المللی)، غیر از ضرورت‌های ناشی از نزدیکی جغرافیایی، سابقه تاریخی، همکاری‌های اقتصادی و رقابت منطقه‌ای، به دلیل موقعیت ویژه و سمت‌گیری سیاست خارجی است که هر یک در عرصه سیاست بین‌المللی دارند؛ مسائلی مانند اقدام‌های یک‌جانبه آمریکا، مسئله گسترش ناتو به شرق و نفوذ ترکیه در منطقه، موجب نگرانی این کشورها از منزوی شدن در سطح بین‌المللی شده است.

از نظر تهران همکاری با مسکو در منطقه، بازدارنده تلاش‌های غرب برای حذف نقش ایران در قفقاز است؛ زیرا تهران می‌داند که اساس سیاست منطقه‌ای آمریکا، سیاست همه‌چیز بدون ایران است؛ از طرف دیگر افزایش نفوذ غرب در منطقه به معنای کاهش نفوذ روسیه در حیات خلوت خودش خواهد بود. مسکو برای کنترل آمریکا نیازمند ائتلاف با کشورهای پیرامون از جمله ایران و ارمنستان در مقابل غرب است (یزدانی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۴۱۵)؛ بنابراین روسیه به منظور ایجاد نوعی توازن منطقه‌ای با قرار دادن ایران در کنار خود در مقابل نفوذ ایالات متحده و متحدانش در حوزه خزر، قفقاز و نیز استفاده از توان و نفوذ این کشور در جهت حل و فصل منازعات منطقه‌ای، ایران را یک متحد ارزشمند در واکنش به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و یک شریک در مخاطرات سیاسی و استراتژیک می‌بیند (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۱۰).

روس‌ها از راه اقدام‌هایی مانند توسعه روابط با ایران، تلاش می‌کنند تا همچنان جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ حفظ کنند؛ حتی همکاری‌های هسته‌ای با ایران، در راستای افزایش قدرت چانه‌زنی روسیه در سطح بین‌الملل و افزایش توان تأثیرگذاری این کشور و مقابله با تلاش‌های آمریکا با محدودسازی فضای مانور این کشور در سطح بین‌الملل است (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷). به نظر می‌رسد همکاری ایران و روسیه در قفقاز جنوبی نتیجه تهدیدهای مشترکی است که به تعامل تاکتیکی دو کشور با یکدیگر منجر شده است (یزدانی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۴۲۶). تلاش آمریکا برای تضعیف، تخریب و حتی حذف نقش

ایران، ارائه تصویری مداخله‌جویانه و تهدیدکننده از ایران و به‌ویژه در جریان پرونده هسته‌ای، دامن زدن به اختلافات ایران با کشورهای حوزه قفقاز، حمایت گسترده سیاسی و مالی از طرح‌هایی که نقش ایران را نادیده می‌گیرد، به صورت خودکار بر روند همگرایی و ایفای نقش ایران تأثیر منفی داشته است (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۴: ۹۷).

نیازهای جمهوری آذربایجان که با دشواری‌های بر جای مانده از اقتصاد دوران اتحاد شوروی دست به گریبان است، همراه با مشکلات ناشی از بحران قره‌باغ سبب باز شدن پای بازیگران فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی شده است. تمایل استراتژیک جمهوری آذربایجان برای مشارکت دادن ناتو، ایالات متحده و اسرائیل در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی و انتقال انرژی خزر، سبب نزدیکی هر چه بیشتر روسیه، ایران و ارمنستان شده است (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۵۷). موقعیت جغرافیایی ارمنستان برای ایران، برای دسترسی به کشورهای اروپایی و ضرورت ایفای نقش مؤثر در قفقاز جنوبی از یکسو، واقعیت‌های مناقشه قره‌باغ و محاصره این کشور توسط طرف‌های درگیر و نبود مرز مشترک با روسیه و موقعیت ویژه ایران در منطقه از سوی دیگر، سبب توسعه روابط دو کشور شده است (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۶۱). ایران از ژئوپلیتیک ارمنستان برای رویارویی با توسعه حضور و نفوذ ترکیه و رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند و با استفاده از ژئوپلیتیک ارمنستان سعی در بهره‌برداری سیاسی و امنیتی برای حضور در منطقه قفقاز و جلوگیری از گسترش بحران‌هایی مانند بحران قره‌باغ به داخل ایران، ایجاد توازن قوا در تحولات منطقه، روابط منطقه‌ای از جمله مسائل انتقال انرژی دارد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی به بررسی تهدیدات امنیتی روابط راهبردی روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی پرداخت؛ دو کشور در طی سالیان اخیر روابط راهبردی داشتند که این روابط راهبردی از تقابل با تهدیدات امنیتی منطقه‌ای قفقاز که دو کشور منافع همسانی دارند شکل گرفته است. سمت‌گیری سیاست خارجی دو کشور در قلمرو منطقه‌ای هم سو و هم‌راستا بوده است. برداشت‌های یکسان از تهدیدات منطقه‌ای، موجب همسانی منافع امنیتی دو کشور و در نهایت رویکردهای هم‌گرایانه دو کشور در منطقه

قفقاز شده است؛ رابطه این دو کشور بر پایه یک نگرش مشترک امنیتی مبتنی بر ناکام گذاشتن نفوذ ترکیه و آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی بنا نهاده شده است. به واسطه احساس ناامنی سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی شوروی در ارمنستان این کشور را به روسیه نزدیک کرده است. ارمنستان با توجه به تهدیدات اقتصادی و امنیتی به روسیه عنوان یک شریک مطمئن نگاه کرده است؛ این کشور، اهداف و ملاحظات راهبردی مانند رفع محاصره سرزمینی و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، حل مشکلات اقتصادی در عرصه داخلی و کمک به حل بحران قره‌باغ، تضعیف موقعیت و جایگاه دو کشور ترکیه و آذربایجان در روابط خود با روسیه دنبال کرده است.

روسیه برای مقابله با تهدیدات امنیتی در حال پیگیری نظم موازنه محور مبتنی بر موازنه سخت، در نظام بین‌الملل کنونی و در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا است. علاقه‌مندی روسیه به همکاری با کشورهای پیرامونی همچون ایران، چین و ارمنستان در کنار کوشش‌های دیگری همچون همکاری‌های راهبردی بین این کشورها بخشی از تلاش‌های این کشورها برای مقابله با نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این حوزه است. روسیه می‌کوشد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در کل منطقه قفقاز عرصه را برای حضور کشورهای غربی، ناتو و همسایگان رقیب منطقه چون ترکیه محدود سازد. مسکو افزایش حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نه تنها مخالف منافع اقتصادی و سیاسی خود تلقی کرده بلکه آن را مخالف راهبرد حفظ سرزمین اصلی روسیه از طریق نفوذ همه‌جانبه در سرزمین‌های اطراف آن می‌داند؛ بر اساس این راهبرد برقراری سطوح همه‌جانبه امنیت در منطقه قفقاز نقش اساسی در بقای فدراسیون روسیه دارد و هرگونه تحول ناگهانی در این منطقه با خدشه‌دار شدن تمامیت ارضی این کشور برابر دانسته می‌شود. از دست دادن قفقاز برای روسیه می‌تواند یک تأثیر دومینو داشته باشد که به از دست دادن موقعیت و قدرت روسیه در مناطقی همچون آسیای مرکزی و اروپای شرقی و در نهایت عدم تحقق رویای قدرت بزرگ بودن این کشور بینجامد؛ با توجه به این موارد می‌توان گفت که روابط راهبردی روسیه با ارمنستان در تأثیرگذاری بر فرایند توازن قوا به نفع روسیه تأثیرگذار بوده است.

منابع

فارسی

۱. بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۸)، چشم‌انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه و ارمنستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ۴۶.
۲. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه مطالعات راهبردی، تهران: مطالعات راهبردی.
۳. جعفری، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟ مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۲.
۴. حیدری، محمدعلی (۱۳۸۶)، رژیم‌های بین‌المللی و تحولات سیاسی - اقتصادی در قفقاز، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، ۴.
۵. خیری، مصطفی، ایزدی، رجب (۱۳۹۶)، منافع روسیه در خارج نزدیک با تأکید بر ارمنستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۰، ۱۰۰.
۶. سید شمس‌الدین صادقی؛ مرادی، سمیرا (۱۳۹۶)، ایران پساتحریم و چشم‌انداز ائتلاف راهبردی با روسیه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰، ۲۰.
۷. عسگریان، عباسقلی؛ تجری، سعید (۱۳۹۶)، تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه در منطقه قفقاز، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، ۹۳.
۸. فلاحت پیشه، حشمت‌الله؛ شربتی، وحید؛ مظفری، محمدمهدی (۱۳۹۴)، سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۲.
۹. قیصری، نورالله؛ گودرزی، مهناز (۱۳۸۸)، روابط ایران و ارمنستان، فرصت‌ها و موانع، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، ۳.
۱۰. کامران دستجردی، حسن؛ متقی، افشین؛ رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰)، حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه جغرافیا، سال ۹، شماره ۲۸، ۲۸.
۱۱. کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۳)، تحولات سیاسی در جمهوری ارمنستان: انتشارات آشیان.
۱۲. کولایی، الهه (۱۳۸۵)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۳. ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: مطالعات راهبردی.
۱۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۷)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. مؤمنی، مجیدرضا؛ رحیمی، امید (۱۳۹۶)، تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی-امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان، مجله اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۲، ۲.
۱۶. نقدی نژاد، حسن؛ سوری، امیراحمد (۱۳۸۷)، رقابت آمریکا و روسیه در اوراسیا، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲، ۶۲.

۱۷. واعظی، محمود (۱۳۸۸)، منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکل‌های چندجانبه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶،
۱۸. یزدانی، عنایت‌الله؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۵)، تعامل سیاست خارجی ایران و روسیه در تقابل با محور شرقی- غربی در قفقاز جنوبی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲.

انگلیسی

19. Ashkeliti, F. (2005). Russian foreign policy in south Caucasus under Putin perceptions, *The Middle East Review of International Affairs*, 5 (1), 54-69.
20. Babayan, Nelli. (2011). "Armenia: Why the European Neighbourhood Policy has Failed", FRIDE Policy Brief, no. 68.
21. Cornell, S. E. C. (2004). Caspian consulting, in: <http://www.silkroadstudies.org/does/publications/2004/sida/pdf>.
22. Dyomkin, J. (2010) 'Russia warns speculators after food prices rise-WRAPUP 1,' www.forexyard.com/en/news/Russia-warns-speculators-after-food-prices-rise-2010-09-02T120359Z-WRAPUP-1 (last accessed 4 September 2010.)
23. Grigoryan, Armen (2017), "Armenia and EU Sign New Partnership Agreement", *Eurasia Daily Monitor*, Vol.14, No.156.
24. Hill, Fiona. Taspinar, Omer (2006). *Russia and Turkey in the Caucasus: Moving Together to Preserve the Status Quo?* Research Programme Russia/CIS.
25. Khachaturian, Lisa. (2009). *Cultivating Nation hood Imperial Russia: the periodical Press and the Formation of a Modern Armenian Identity* (New Brunswick, NJ: Transaction publishers).
26. Kostanyan, Hrant & Giragosian, Richard (2017), "EU-Armenian Relations: Charting a fresh course", Available at: https://www.ceps.eu/system/files/HkandRG_EU_Armenia.pdf, Accessed on: 11/9/2017.
27. Kucera, Joshua. (2012). The Great Caspian arms Race, *Foreign policy*, June 22.
28. McGinnity, I. (2010). Selling its future short: Armenia's economic and security relations with russia, cmc senior theses. http://scholarship.claremont.edu/cmc_theses/58
29. Minassian, Gaidz (2008), "Armenia a Russian Outpost in the Caucasus?", *Russia/NIS Center*, Available at: https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri_RNV_minassian_Armenie_Russie_ANG_fevr2008.pdf, (Accessed on: 7/12/2016.)
30. Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Aemenia (2007), "National Security Strategy", Available at: http://www.mfa.am/u_files/file/doctrine/Doctrineeng.pdf, Accessed on: 3/2/2017.
31. Nixey, J. (2012). The long goodbye: waning russian influence in the south caucasus and central asia, *Russia and Eurasia Programme*, 11-31.
32. Peña-Ramos, Jose (2017), "The Impact of Russian Intervention in Post-Soviet Secessionist Conflict in the South Caucasus on Russian Geo-energy Interest", *International Journal of Conflict and Violence*, Vol.11, No.3.
33. Radin, Andrew (2017), "Russian Views of the International Order", *RAND Corporation*, Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR1800/RR1826/RAND_RR1826.Pdf, Accessed on: 3/2/2017.
34. Shafee, F. (2010), *New geopolitics of the south caucasus*, *South Caucasus*, 10(5).

35. Tchantouridze, Lacha. (2010). The three colors of war: Russian, turkish, and iranian military threat to the South Caucasus, *Caucasian Review of International Affairs*, 2 (1), 32-63.
36. The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (2016), "Foreign Policy Concept of the Russian Federation", Available at: http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents//asset_publisher/CptlCk6B6Z29/content/id/2542248, Accessed on: 3/2/2017
37. Thehill (2017), Azerbaijan and Israel-genuine Muslim-Jewish relations, <http://originnyi.thehill.com/blogs/congress-blog/foreign-policy/312506-azerbaijan-and-israel-genuine-uslimjewish>
38. Vladimir, S. (2010). Armenia's giveaways to russia: from property-for-debt to property-for-gas, *Eurasia Daily Monitor*, 3 (76). 15-84 .
39. Walt, Stephan (1987), *The Origins of Alliance*, Ithaca: Cornell University Press
40. Waltz, K. (2000). Structural realism after the cold war, *International Security*, 25(1), 5-41.
41. Waltz, Kenneth N. (1989), *The Origins of War in Neorealist Theory*, in Robert I. Rotberg and Theodore K. Rabb, eds., *The Origin and Prevention of Major Wars*, New York: Cambridge University Press. Walt, Stephen M. (1985), *Alliance Formation and the Balance of World Power*, *International Security*, Vol. 9, No. 4.
42. Weinstein, A. (2010). Russian phoenix: the collective security treaty organization, *The Whitehead Journal of Diplomacy and International Relations*, 8(1), 22-42.

